

امام جواد (ع) به مثابه معیار

سیدعلیرضا واسعی^۱

چکیده

زندگی کوتاه امام جواد (ع) ابعاد گوناگونی داشته، اما وجه معیار و معیارسازی آن، مایه تمایز آن حضرت با دیگر پیشوایان است. امامان شیعی که طی ۲۵۰ سال زیسته‌اند، به منزله پیکر واحد و انسان یگانه‌ای بوده‌اند که به حکم اقتضائات زمانه، نیازهای جامعه، مناسبات اجتماعی و ضرورت‌های نوپدید، رفتارهای متفاوتی داشته‌اند. البته این به معنای پیروی آنان از زمانه نیست، بلکه حاکی از به‌روز بودن و نیازمحور بودن آنان است. از این منظر، اگر هر یک از امامان به جای دیگری بود، همان مسیری را می‌پیمود که آن امام پشت سر نهاده بود. امام جواد (ع) نیز از این قاعده مستثنا نبودند. ایشان به جهت حضور در دوره خاصی از تاریخ، مأموریت ویژه‌ای داشتند که دیگر امامان بدان مأمور نشده بودند؛ مأموریت معیار بودن و معیارسازی برای یافتن الگوی صحیح زندگی؛ الگویی که تا عصر غیبت تداوم یافت و شیعیان دیگر در اصل امامت دچار سردرگمی و تردید نشدند. این مقاله می‌کوشد هر چند کوتاه، این نقش امام را بنمایاند و به این پرسش اساسی پاسخ دهد که چرا آن حضرت به چنین نقشی متمایز شده است. فرضیه اصلی نوشتار آن است که امام نهم، به سبب واقع شدن در دوره عقل‌گرایی و هجوم اندیشه‌های انتقادی، در مقام تنزیه اندیشه اسلامی با ارائه معیار برآمدند.

ص: ۴۵۹

واژگان کلیدی: امام جواد (ع)، معیارمندی و معیارسازی، اندیشه اعتزالی، نقل‌گرایی، غلو.

مقدمه

امام جواد (ع) در دوره اول خلافت عباسی و با دو خلیفه آن یعنی مأمون (۱۹۸-۲۱۸ ق) و معتصم (۲۱۸-۲۲۷ ق) زیسته‌اند و با این‌که پدرشان امام رضا (ع) مدتی در مقام وزارت ایفای نقش کرده بودند، ایشان هیچ‌گاه به دربار راه

۱. دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

نیافتند و زندگی متفاوت با مردم را تجربه نکردند، هر چند زمینه پیوندی سببی برای حضرتش فراهم گردید. آن حضرت که در سن پایین عهده‌دار رهبری شیعه شدند، از همان زمان مورد ملاحظت و توجه مأمون واقع گردیدند و به خواسته همو دخترش را به همسری گرفتند. گرچه بر پایه تحلیلی منقول از بعضی اصحاب مجهول‌الهویه که مبنای داوری دسته‌ای از پژوهش‌گران امروزی نیز قرار گرفته،^۳ مأمون فریب‌کارانه به چنین اقدامی دست زد تا بتواند مراقبت و کنترلی مستمر بر فعالیت آن حضرت و مراودات ایشان با دیگران داشته باشد، اما این اقدام مایه ترس عباسیان گردید و بالتبع اعتراض‌هایی را برانگیخت. چالش پیش‌آمده از این وصلت، در نهایت به نفع امام تمام شد؛ چون زمینه شناسایی حضرتش را در میان توده مردم فراهم ساخت. ایشان با این‌که هنوز اعتبار و اشتها اجتماعی نیافته بودند، چون در سنین نوجوانی قرار داشتند، توانستند در مناظره‌هایی بزرگ شرکت کنند و توانایی، دانش، ظرفیت و نفوذ کلام خود را به جامعه سنت‌گرا و متعصب زمانه عرضه دارند.

مأمون به هر انگیزه‌ای امام را وارد خانواده خود کرده باشد، در معرفی‌اش به جامعه اسلامی در سطح گسترده تأثیرگذار بود؛ چون هم خود به دفاع از آن

ص: ۴۶۰

حضرت پرداخت و هم زمینه حضور ایشان را در مجامع فراهم ساخت و صدالبته که امام با بهره‌گیری شایسته از این فرصت، به‌رغم تهدیدها و تهدیدها، توانستند نقش مؤثری ایفا نمایند و از یک‌سو جامعه شیعی را انسجام بخشند، از دیگر سو، شبهه‌های مطروحه در خصوص تداوم امامت را بزدايند و از سوی سوم، مهم‌ترین پرسش‌های عقیدتی را با ارائه معیارهایی عینی و تجربه‌پذیر پاسخ گویند. از نقش برجسته و متمایز امام، در همیشه تاریخ می‌توان به عنوان الگویی قابل دفاع و مؤثر پیروی کرد. البته امام جواد (ع) برای انجام دادن مأموریت الهی خویش، با مشکلات عدیده‌ای دست‌وپنجه نرم کردند که به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد:

چالش‌های فراروی امام

۲. در مناقب این شهر آشوب، به خطا شهادت امام در دوره واثق دانسته شده (رک: مناقب، ج ۳، ص ۴۸۷) که با داده‌های تاریخی نمی‌سازد. امین احتمال داده که این خطا از آن رو رخ داده که واثق (بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۲۶۷) بر امام نماز گزارده بود. نک: اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۲۲.

۳. عاملی، الحیاء السیاسیه للامام الجواد، ص ۶۴.

۴. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۹۴؛ کاشانی، الوافی، ج ۳، ص ۸۲۸.

سه مشکل اساسی در مسیر تحقق اهداف فراروی امام قرار داشت: گسترش عقل‌گرایی اعتزالی، به اضافه انتشار اندیشه‌های بیگانه؛ تعارض‌های علوی عباسی و سوم ابهام در تداوم امامت شیعی. هر یک از این سه چالش، کافی بود تا جامعه اسلامی در مسیر تشقت و بی‌راهه روی قرار گیرد. آنچه امام رضا (ع) و سپس امام جواد (ع) انجام دادند، در بازداري مسلمانان از انحراف و انحطاط بسیار مهم بود. برای فهم بهتر ادعا، نگاهی به چالش‌های پیش‌گفته لازم است:

الف) گسترش عقل‌گرایی

تعارض یا تقابل دو شیوه نقل‌گرایی و عقل‌گرایی در جوامع انسانی، قدمتی به درازای اندیشه‌گری بشر دارد، به همین سبب، نمی‌توان تاریخ معینی برای آن برشمرد. از روزی که ادیان برای گره‌گشایی پیچیدگی‌های اذهان آدمی پیدا شدند، این پرسش نیز پدید آمد که با وجود عقل و توانایی درک و دریافت، چه نیازی به داده‌های دینی است. این پرسش ضرورتاً حاکی از ضدیت با دین یا تجری دینی نیست، بلکه در حوزه معرفتی قابل تأمل است. مسلمانان نیز با چنین پرسشی مواجه شدند. بدیهی است که دهه‌های آغازین ظهور اسلام که هیمنه وجودی

ص: ۴۶۱

آن، اندیشه‌ها و اذهان آدمیان را مقهور خود کرده بود، چنین پرسش‌هایی شکل نمی‌گرفت، اما گذر زمان و ثبات جامعه اسلامی به اضافه ارتباط مسلمانان با دیگر مردم در اثر جنگ‌ها و تعاملات، هم‌زیستی برخی از بیگانگان با مسلمانان و نیز ترجمه کتاب‌های دیگران، به طور طبیعی پرسش‌های جدیدی را در برابر مسلمانان قرار داد و آنان را با عرصه‌های جدیدی مواجه ساخت؛ پرسش‌هایی معطوف به اصل نیاز بشر به دین و وحی، حوزه‌های پاسخ‌گویی دین و نیز پرسش‌هایی در خصوص اسلام و داده‌های نقلی. کم‌ترین اثر این پرسش‌ها، کم‌رنگ‌سازی رویکرد تعبدی و باز کردن جا برای عقل در پاسخ‌گویی به نیازهای روزآمد بود. اندیشه اعتزالی عقل‌گرایانه در مقابل اندیشه اشعری نقل‌گرایانه در میان اهل سنت، و اندیشه اصولی‌گری در مقابل اخباری‌گری در میان شیعه، زاده چنین رویکردی بود. عصر امام رضا (ع) و فرزندش امام جواد (ع) در تاریخ امامت اوج طرح این پرسش‌ها بود. البته از زمان هارون الرشید اندیشه‌های جدیدی پای در فرهنگ اسلامی نهاد و گفت‌گوهای علمی و نیز مراکز آموزشی، در این دوره سر برآورد و زمینه نقد و انتقادهای مختلف را فراهم کرد. با روی کار آمدن مأمون که فردی فرهیخته و دانا بود،^۵ به برگزاری نشست‌های عالمان و مناظره‌های بین‌الادیانی توجه زیادی شد و طبعاً باب پرسش‌های ریشه‌ای در این فضا، نه تنها امری مجاز شمرده می‌شد،

بلکه اساساً توصیه نیز می‌گردید تا هر چیزی پاسخ درخور خود را بیابد. هر چند این چالش به طور مستقیم در محاوره‌های پیشوایان تجلی نیافت، بی‌گمان در نوع نگره آنان مؤثر بود؛ چنان‌که پیدایی علوم بیگانه، چنین نقشی را در میان عالمان دینی و رهبران مذهبی داشته است.

ذبیح‌الله صفا می‌نویسد:

توجه اساسی به علوم و نقل کتب علمی، از یونانی و سریانی و پهلوی به عربی، از آغاز عهد عباسی شروع شد، لیکن مهم‌ترین دوره نقل و ترجمه

ص: ۴۶۲

علوم، عهد مأمون است وی به برکت مادری ایرانی و تربیت در نزد برامکه و از آن روی که قسمتی از حیات وی هنگام حکومت و خلافت در خراسان در میان ایرانیان گذشت، مردی روشن‌بین و علم‌دوست و آزاده‌فکر بار آمد. وی به دانش و علم توجه بسیار داشت و خصوصاً به فلسفه میلی فراوان می‌نمود شاید بیش‌تر از باب اعتقاد او به مذهب اعتزال و دوستی و آشنایی وی با ائمه معتزله چون: ابوالهذیل علاف و ابراهیم بن سيار بوده است. مأمون معتزله را چندان تقویت می‌نموده است که غالب اقوال آنان را که از بیم فقها اظهار نمی‌توانستند کرد، خود در مقالات خویش بیان می‌کرد و از آن جمله است قول به خلق قرآن.^۶

همین رویکرد البته موجب شد تا برخی وی را امیرالکافرین^۷ خطاب کنند یا به زندقه متهم نمایند.^۸ این بستر، زمینه‌های جدیدی پیش‌اروی امام می‌نهاد.

ب) تعارض علوی - عباسی

دیگر چالشی که در دوره امام رضا (ع) و امام جواد (ع) رخ نموده بود، مقوله تلاش برای انحصار قدرت در میان عباسیان بود؛ موضوعی که پس از روی کار آمدن آنان اندکی دغدغه آفرید، اما مدتی نگذشت که با اقتدار بی‌رقیب

۶. صفا، تاریخ علوم عقلی، ص ۴۲-۴۳.

۷. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۵۰؛ طبری، تاریخ طبری، ج ۸، ص ۵۴۵، مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۳۲۳.

۸. ابن ندیم، فهرست، ص ۴۷۳.

عباسیان خاتمه یافت. عباسیان که با شعار «الرضا من آل محمد»^۹ به قدرت و شوکت دست یافتند، با تفسیر حق به جانب از این شعار، خود را مصداق آن دانسته، و مشروعیت خود را به دیگران القا کردند و این تا زمان مأمون ادامه داشت. او به هر دلیلی که در طول تاریخ مایه گفت‌گو بود، بر صلاحیت علویان که مصداق تصریح شده اهل بیت در زبان پیامبر (ص) بودند، تأکید کرد. به همین منظور امام رضا (ع) را به عنوان وزیر خود برگزید و گویی تا واگذاری اصل خلافت به ایشان اعلام آمادگی کرده بود. پس از آن حضرت، به امام جواد (ع)

ص: ۴۶۳

روی کرد، از آن رو که در عین کمی سن، دارای حکمت، علم، ادب و کمال بود. ۱۰ او هر چند امام را به عرصه مدیریت سیاسی وارد نکرد، با تزویج دخترش ام‌فضل به حضرت، ۱۱ با علاقه‌مندی ایشان را به خانواده خود متصل کرد، ۱۲ به آن امید که جد مردی باشد که پدرش رسول خدا (ص) و علی (ع) هستند، هر چند چنین چیزی محقق نشد. ۱۳ این دو اقدام، عباسیان را به اعتراض کشاند و زمینه چالش‌هایی را فراهم کرد؛ چون آنان واهمه داشتند که خلافت از خاندان عباسی بیرون برود. ۱۴ امام جواد (ع) همانند پدر، در معرض چنین توهمی قرار داشتند که نکند با این وصلت در مقام استیفای حقوق دیرینه، دستی در عالم سیاست بیفکند و خلافت را از آن خود کند. این چالش نوع مواجهه مردم با امام و متقابلاً چگونگی تعامل آن حضرت با دیگران را تا حدی تحت تأثیر قرار می‌داد.

ج) ابهام در تداوم امامت

پیرو نکته آغازین، چالش سومی در این دوره رخ نمود و آن اصل تداوم امامت شیعی و سپس مصداق آن بود. این پرسش بعد از شهادت امام کاظم (ع)، در میان دسته‌ای از شیعیان شکل گرفته بود که آیا جریان امامت پایان یافته است یا

۹. مجهول، اخبارالدولة العباسیه، ص ۱۹۴ به بعد؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۴، ص ۱۱۵ به بعد.

۱۰. امین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۳.

۱۱. طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۱۴۹؛ ابن‌کثیر، البدایه و النهایه، ج ۱۰، ص ۲۶۰.

۱۲. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۸۱.

۱۳. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۵۵. جعفر مرتضی عاملی در تحلیل خود اقدام مأمون را کاملاً سیاسی و برای کنترل امام می‌داند. نک: الحیاء السیاسیه للامام الرضا، ص ۲۰۸ به بعد.

۱۴. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۴۸۸.

خیر. دسته‌ای به این سوی کشیده شده بودند که دیگر کسی به امامت برگزیده نشده و امامت با شهادت امام هفتم، خاتمه یافته است. ۱۵. واقعه با این رویکرد، موجی در میان شیعه ایجاد کردند که آرام کردن آن هزینه‌های زیادی برای امام رضا (ع) به بار آورد. این شبهه پس از شهادت امام هشتم نیز سربرآورد و عده‌ای در پذیرش امام جواد (ع) به عنوان پیشوای شیعه دچار تردید شدند و در نهایت به اندیشه واقعه بازگشتند. این چالش تا به آنجا ریشه دواند که برخی در اصل

ص: ۴۶۴

انتساب آن حضرت به پدر پیش رفتند و برخی دیگر در صلاحیت فرزند امام هشتم برای تصدی امامت تردید کردند. جریان‌های شکل گرفته، در نهایت همه قضایا را به نفع امام پیش برد و آنچه در باور شیعی جای داشت، محقق گردید.

امام جواد (ع) به عنوان معیار

چالش‌های پیش آمده، پرسش‌های بنیادینی را پدید آورد که در میان شیعه می‌توانست بنیان‌کن باشد. یکی از آن‌ها، اصل ضرورت وجودی امام بود که تا این زمان چندان مایه گفت‌گو و توجه شیعه قرار نداشت. بیش‌ترین ابهام تا این زمان، مصداق امام بود و این که چه کسی به پیشوایی امت شایسته‌تر است؛ اما در عهد امام رضا (ع) و امام جواد (ع)، پرسش از این مرز گذشت و اساس امامت را نشانه گرفت. شاید این شبهه، ناشی از دوران خاص امام جواد (ع) بود، اما با اندکی تأمل می‌توان تغییر در ذائقه اندیشه‌گری مسلمانان از جمله شیعه را در این امر دخیل دانست. گذر زمان تا حدی اتکا به نقل و تبعیت از گفته دیگران را با تردید مواجه کرد. این کارکرد عقل‌گرایی و هم‌نشینی با اغیار، در همه عرصه‌های فکری راه یافته بود. در این موقعیت و فضا، نقش امام جواد (ع) بسیار حساس می‌نمود، اما آنچه ایشان انجام دادند، به راستی مایه شگفتی است؛ چون پس از ایشان، دیگر نه تردیدی در اصل امامت پدید آمد و نه در مصداق آن شیعیان دچار سردرگمی گریزناپذیر شدند.

دو شبهه اساسی، با حضور امام جواد (ع) پاسخی گرفت که دیگر بروز نکرد: یکی کمی سن و دیگر توانایی علمی؛ بدین گونه ایشان معیار و شاخصی برای امامان بعد خویش گردیدند. درباره کم‌سنی ایشان، امام رضا (ع) تلاشی جدی کردند و

در توانایی علمی این مأمون بود که به هر دلیلی مایه گذاشت. ۱۶ امام هشتم همانند پدران‌ش طرف سؤال شیعیان بودند که چه کسی جانشینی‌اش

ص: ۴۶۵

را عهده‌دار خواهد شد. امام با این که هنوز فرزندی نداشتند، شیعیان را به فرزندی در آینده بشارت می‌دادند و زمانی که فرزندان در سنین خردسالی بود، پیروانشان را به امامت وی توصیه می‌کردند، اما آن‌چه ذهن برخی از شیعیان را به خود مشغول می‌کرد، چگونگی پذیرش امامت کسی بود که هنوز به سن بلوغ نرسیده بود. امام در رفع این ابهام، با تشبیه امامت فرزندش به حضرت عیسی (ع) که در کودکی رهبری امت را عهده‌دار شد. ۱۷ بر امکان آن انگشت می‌نهادند و صلاحیت او را تأیید می‌کردند. امام در گفت‌گو با یکی از واقفه، نقش امام جواد (ع) را تعیین حق از باطل برشمردند و بدین‌گونه حضرت را معیار آن شناسایی کردند. امام از دو جهت معیار بودند:

۱. تعیین مسیر حرکت شیعه

دو روایت با تفاوت اندک در کتب شیعی آمده که بر نقش معیاری امام جواد (ع) تأکید دارد. یکی به نقل از حسین بن یسار که می‌گوید:

ابن قیامای واسطی که واقفی‌مذهب بود، به امام رضا (ع) چنین نامه نوشت: «تو چگونه مدعی امامی در حالی که فرزندی نداری؟» ۱۸ امام پاسخ دادند: «از کجا چنین علمی یافته‌ای که برایم فرزندی نیست؟ به خدا قسم چندی نمی‌گذرد که خداوند پسری به من روزی می‌کند که بین حق و باطل جدایی می‌افکند!».

در روایت دیگر از محمد بن علی از ابن قیاما نقل می‌کند که در گفت‌گوی چالشی با امام رضا (ع) تداوم امامت را زیر سؤال برد و امام در پاسخ فرمود:

۱۶. برخی برآنند که مأمون برای این که بتواند از کاری که کرده خلاصی یابد و امام جواد(ع) را تضعیف کند، به برگزاری جلسه‌های مناظره روی کرد، اما اثبات این دیدگاه با درنظر داشتن همه جوانب و داده‌های تاریخی آسان به نظر نمی‌رسد.

۱۷. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۸۰.

۱۸. ابن قیاما که از واقفه‌های فعال بود به این بهانه که امام نمی‌تواند بلاعقب باشد، به نفی امامت امام رضا(ع) روی کرده بود. (نک: مجلسی، مرآة العقول، ج ۳، ص ۳۷۵؛ مدینه المعاجز، ج ۷، ص ۳۷).

«والله لیجعلن الله منی ما یتبث به الحق وأهله و یمحق به الباطل وأهله» ۱۹.

تثبیت حق و اهل آن و از بین بردن باطل و اهل آن، در این کلام مایه شگفتی است. از کلام امام رضا (ع) چنین برمی آید که نقش فرزندش در این عرصه با

ص: ۴۶۶

آن چه دیگر امامان داشته اند، تفاوت بنیادین دارد. به واقع آن چه فراروی این امام قرار داشت، با آن چه دیگر پیشوایان با آن مواجه بودند فرق داشت. امام جواد (ع) برابر آن چه پدرش فرموده بودند، حقیقت شیعی را با همه پیچ و خم هایی که داشت، به اثبات رساندند و به همگان نشان دادند که به رغم کودکی، چگونه توانایی پاسخ گویی به نیازهای جامعه را دارند. ایشان چه در مجلس مأمون و چه در مجامع دیگر، به خوبی نقش خود را انجام دادند. امام در نگره شیعی، معیاری تمایزبخش بودند و هر کس که مدعی تشیع بود، طبعاً با الگو قرار دادن ایشان، از انحراف فاصله می گرفت. تاریخ نشان می دهد که پس از آن حضرت، دیگر جامعه شیعی دچار چالش های معطوف به اصل امامت یا شبهه کمی سن نشد. با این که امامان پس از ایشان همگی کم سن بوده اند، دیگر چنین امری به عنوان یک مشکل ذهن شیعه را نمی آزد.

۲. تبیین حقیقت اسلام

جامعه اسلامی عهد امام جواد (ع)، با پرسش هایی درگیر بود که شاید برای امروزیان اندکی مایه شگفتی باشد. اما واقعیت آن است که مسلمانان در رقابت با دیگر ادیان از یک سو و در شناسایی برتری مذهبی و درون دینی از سوی دیگر، در همیشه تاریخ دچار چالش بودند و اساساً برای این که باور آدمی استحکام یابد و عقیده درست و به حق شکل بگیرد، پیدایی چنین پرسش هایی طبیعی است. امام جواد (ع) با بیان قاعده ای، راه شناخت حق را بیان می فرمودند و در ادامه، چگونگی تطبیق آن قاعده بر مصادیق را تبیین می کردند. برای مثال، پس از ازدواج امام با ام فضل، در مجلسی با حضور مأمون، یحیی ابن اکثم و جمع زیادی از مردم، یحیی به ایشان خطاب کرد: «درباره این روایت که جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شد و گفت: "خداوند به تو سلام می رساند و می فرماید: از ابوبکر پیرس آیا از من راضی است؟ من از او راضی ام"، چه می گویی؟» امام در پاسخ با ارائه معیاری که البته در گذشته نیز به آن استناد می شد، ۲۰ ضمن تأیید فضل

۱۹. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۲۰-۲۲۱؛ شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۷۷-۲۷۸؛ مجلسی، مرآة العقول، ج ۲، ص ۲۷۵.

۲۰. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۶۲؛ شیخ صدوق، خصال، ص ۲۵۵.

ابوبکر، با ذکر حدیث معیاری از رسول خدا (ص)، این روایت را محل نقد دانستند. پیامبر در حجة الوداع فرموده بودند:

دروغ‌گویان بر من زیاد شده‌اند و پس از این نیز رو به فزونی‌اند. هر کس به عمد دروغی را به من نسبت دهد، نشیمنگاه او پر از آتش خواهد شد. هرگاه حدیثی از من به شما رسید، آن را بر کتاب خدا و سنت من عرضه کنید؛ اگر هم سو با آن‌ها بود، آن را بپذیرید و هر سخنی با آن‌ها مخالف بود، به آن تمسک نکنید و به دور افکنید.

امام با ذکر این معیار که هر روایتی را نمی‌توان صحیح دانست، مدعی یحیی را به ترازوی نقد نهادند و آن را با آیه ۱۶ سوره قاف، در تعارض دانستند؛ آن‌جا که خداوند می‌فرماید: (ولقد خلقنا الإنسان ونعلم ما توسوس به نفسه ونحن أقرب إليه من حبل الوريد)؛ ما انسان را آفریدیم و آن‌چه در نفس و درونش می‌گذرد آگاهیم و از رگ گردن به او نزدیک‌تریم. ۲۱ امام با این استدلال درستی روایت را زیر سؤال بردند.

تأکید امام بر هم‌سویی داده‌های روایی با قرآن و سنت، در کلام دیگر امامان نیز دیده می‌شود، اما ارائه آن در جمعی بزرگ و در فضای مناظره علمی شایان توجه است. این تأکید با طرح روایات دیگر از سوی یحیی ادامه یافت و امام هم‌چنان از طراح و مخاطبان خواستند تا از الگوی بیان‌شده توسط رسول خدا (ص) دست بردارند و همه روایات را با سنجه داده‌های قرآنی و سنت نبوی ارزیابی کنند. ۲۲ روشن است که ملاک بیان‌شده تنها برای مواردی نیست که در گفت‌گو با یحیی مطرح گردیده، بلکه در همه ادوار و نسبت به همه روایات لازم‌الاتباع است.

امام هم‌چنین در روایتی از ابراهیم بن محمد همدانی در توصیف انسان والا به نقل از پدرانش می‌فرماید:

لا تنتظروا إلى كثرة صلاتهم وصومهم وكثرة الحج والمعروف وطنظنتهم

بالليل، انظروا إلى صدق الحديث وأداء الأمانة. ۲۳

۲۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۴۵-۲۴۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۸۰.

۲۲. همان، ص ۲۴۶-۲۴۹؛ همان.

۲۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۶۹.

به زیادی نماز و روزه و حج و معروف و شب‌زنده‌داری نگاه نکنید، بلکه به صدق گفتار و ادای امانت او نگاه کنید.

این سخن، پایه‌ای‌ترین اخلاق متعالی را بیان می‌کند. راست‌گویی که در رأس آن ذکر روایات درست و بیان صحیح روایت است و ادای امانت نیز شامل همین مقوله می‌شود، چون نقل روایت، ادای امانتی به شمار می‌آید که به گردن انسان نهاده شده است.

حضور علمی امام در جهت تبیین معیار

نقش‌آفرینی امام به مثابه معیار برای شیعه از یک منظر و جهان اسلام از منظر دیگر، در قالب‌های مختلفی بوده است که مهم‌ترین آن را در مناظره‌های علمی، تربیت شاگردان و بیان روایات می‌توان ذکر کرد. اما مناظره‌های امام که در منابع شیعی ذکر شده، حاکی از دانایی امام در علوم دینی و توانایی ایشان در مواجهه با مسائل روزآمد است. یکی از آن مناظره‌ها، گفت‌گوی عالمانه میان ایشان و یحیی بن اکثم بود. برابر روایتی مفصل از ریان بن شبیب، دسته‌ای از عباسیان از اقدام مأمون برای تزویج دخترش به امام اظهار ناخرسندی کرده، آن را موجب خطر برای عباسیان دانستند؛ علاوه بر آن، ابن‌الرضا (ع) را در سنینی ذکر کردند که باید به سراغ فقه و معرفت برود. ۲۴ مأمون برای توجیه عقلانی تصمیم خود و نشان دادن فضل و دانش امام، مجلس گفت‌گویی ترتیب داد و از عالم جلسه خواست تا با طرح پرسشی، میزان دانش حضرت را بیازماید. یحیی نیز چنین کرد و سؤالی فقهی را به میان کشید که به زعم خودش شئون مختلفی می‌توانست داشته باشد. امام با بیان شقوق مختلف آن، پرسنده و مخاطبان را با دانش خویش مجاب کردند ۲۵ و در طرح سؤالی از یحیی، میزان تسلط خویش بر

ص: ۴۶۹

احکام فقهی را نشان دادند.

تربیت نیرو و پرورش افراد صالح برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی و رفع مشکلات آنان، اقدام دیگری بود که امام در دستور کار خود داشتند. امام به رغم کمی سن، دانشمندان و صحابه زیادی را تربیت کردند. شیخ طوسی ۱۱۶ صحابی

۲۴. شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۲۸۲.

۲۵. شامی مشغری، الدرالنظیم، ص ۷۰۶؛ ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۵۱-۴۵۳. البته در صحت خبر برخی تردید کرده‌اند. (نک: کتاب الحج)

تقریرات سید محمد هاشمی شاهرودی، محمد ابراهیم جناتی، ج ۱، ص ۸۴.

برای آن حضرت ذکر می‌کند ۲۶ و عطاردی شمار آنان را ۱۲۰ تن می‌نویسد ۲۷ که در میان آن‌ها شخصیت‌های برجسته‌ای چون عبدالعظیم حسنی، ابوهاشم جعفری، علی بن مهزیار و دیگران دیده می‌شوند. آورده‌اند که دانشمندی امام، در حدی بود که برخی از نویسندگان مثل ابوبکر احمد بن ثابت در تاریخ خود، ابواسحاق ثعلبی در تفسیرش و محمد بن منده بن مهربن در کتابش از او روایت کرده‌اند. ۲۸ گذشته از این دو اقدام، بیان حدیث نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. گفته‌اند در یک مجلس که عده‌ای از نواحی مدینه به دیدار امام آمده بودند، ایشان شمار زیادی از پرسش‌های آنان را پاسخ گفتند. ۲۹ هم‌چنین آورده‌اند که هشتاد تن از علمای شهرهای مختلف، به در خانه امام آمدند و به قصد آزمودن ایشان، پرسش‌های مختلفی را مطرح کردند که امام یکایک آن‌ها را بر مبنای شریعت اسلامی و مستند به آیات قرآنی پاسخ گفتند. ۳۰

عطاردی ۲۲۰ روایت از آن حضرت گردآوری کرده است. ۳۱ نگاهی به این دست احادیث، نشان می‌دهد که آن حضرت در چه حوزه‌هایی به ارائه نظر پرداختند و عالمان شیعی به چه میزان از داده‌های ایشان بهره برده‌اند، هر چند در مجامع ص: ۴۷۰

حدیثی اهل سنت، تنها یک روایت از ایشان نقل شده است. ۳۲ در میان احادیث منقول از امام، آگاه‌سازی مردم نسبت به اندیشه‌های انحرافی مجسمه، هم‌چنین معرفی واقفه و از همه مهم‌تر انحراف غالیان به چشم می‌خورد. در این میان، بیش از همه نسبت به دسته اخیر سختی نشان داده شده است، از آن‌رو که اینان عقایدی برخلاف معیار عرضه می‌داشتند. امام جواد (ع) صریحاً بر ابوالخطاب، یارانش و حتی کسانی که در لعنت بر او تردید داشته یا در این باره توقف یا تردید

۲۶. طوسی، الابواب، ص ۳۷۰.

۲۷. جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ج ۲، ص ۱۲۹ به نقل از مسند الجواد عطاردی.

۲۸. امین، اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۵.

۲۹. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۹۶.

۳۰. شامی مشغری، الدرالنظیم، ص ۷۰۵.

۳۱. عطاردی، مسند الامام الجواد.

۳۲. امینی، «روایات اهل بیت در منابع اهل سنت»، مجله علوم حدیث، ش ۴۷، ص ۱۴۸-۱۸۴.

می‌کنند، لعنت می‌فرستند ۳۳ و می‌فرماید: «افرادی چون ابو عمره جعفر بن واقد و هاشم بن ابی هاشم که برای بهره‌کشی از مردم، از ائمه استفاده می‌کنند، در ردیف ابوالخطابند.» هم‌چنین از اسحاق انباری خواستند تا دو تن از غلات، یعنی ابوالمهری و ابن ابی الزرقا را از پای درآورند، چون در کار گمراه‌سازی شیعه می‌کوشیدند. ۳۴

مبارزه با غالیان در دستور کار امامان پیشین نیز قرار داشت، چنان‌که امام رضا (ع) در مبارزه با آنان سخنان صریحی داشتند ۳۵ و دوستی با آن‌ها را دشمنی با اهل‌بیت، و انس با آنان را خروج از ولایت خدا معرفی فرمودند. ۳۶ شیخ صدوق در شناسایی اینان می‌فرماید:

غالیان سه دسته‌اند؛ دسته‌ای از آنان به الوهیت امام علی (ع) باور دارند و برآنند که سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و عمر بن امیه ضمری، از سوی امام به تدبیر جهان می‌پردازند و آن حضرت، پروردگار است. دسته دیگر در خصوص اهل‌بیت غلو می‌کنند و چیزهایی را به آنان نسبت می‌دهند که آنان خود چنین نمی‌گویند مثل ادعای نبوت و خدایی، و دسته سوم کسانی‌اند که معرفت امام را از تمامی عبادات و فرایض کافی می‌دانند و به اتکای ولایت آنان از اعمال دینی دست می‌کشند. ۳۷

ص: ۴۷۱

این آشکارترین شکل معیارشکنی در دیانت اسلامی بود، به همین جهت سخت‌ترین لعن‌ها نثار آنان شده است.

نقش امام جواد (ع) در طراحی زندگی مسلمانی و تلاشی که برای ارائه معیار به خرج دادند، ایشان را در چشم همگان بزرگ کرد و راز جمله امام رضا (ع) درباره ایشان بهتر درک شد. ابی‌یحیی صنعانی می‌گوید:

نزد علی بن موسی بودم که فرزندش در حالی که کودکی بیش نبود، وارد شد. امام فرمودند:

۳۳. کشی، رجال، ص ۵۲۸.

۳۴. جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۱۲۹-۱۳۱ به نقل از رجال کشی.

۳۵. صدوق، عیون اخبارالرضا، ج ۲، ص ۲۲۶.

۳۶. همان، ج ۱، ص ۱۳۱ و ج ۲، ص ۲۱۹.

۳۷. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۴۵.

«هذا المولود الذي لم يولد اعظم على شيعته بركة منه» ۳۸.

نتیجه

امام جواد (ع) با این که عمری دراز نکردند، اما با شناخت نیازهای زمانه و اقتضائات حاکم، توانستند نقش برجسته‌ای در تاریخ تشیع و اسلام ایفا کنند. ایشان با این که هنوز مقبولیت اجتماعی و وجاهت تجربی نیافته بودند، به حکم نزدیکی با دستگاه خلافت، فرصت یافتند تا هم توانایی علمی خود را اعلام نمایند، هم با انحراف‌های زمانه به مقابله برخیزند و با بهره‌گیری از فرصت‌ها، مقابله با تهدیدها و موانع، با عرضه اندیشه‌های صحیح اسلامی، به مثابه معیاری برای سنجش زندگی مسلمانی و اعتدال اسلامی نقش‌آفرینی کنند. حضرت در دوره‌ای از تاریخ اسلام قرار گرفته بودند که از یک سو، اندیشه‌های بیگانگان وارد سرزمین اسلامی شده بود و از دیگر سو، رقابتی متفاوت میان عباسیان و علویان رخ داده و از سوی سوم، تشتت آرای در میان شیعه خودنمایی کرده بود. مجموعه این اوضاع، می‌طلبید تا امام باتدبیری دقیق وارد صحنه شوند. ایشان با نهایت حزم و احتیاط به کارهای خودپرداختند و با پرورش نیرو و بیان ارزش‌های دینی، تداوم امامت شیعی را تضمین کردند، به گونه‌ای که پس از ایشان، دیگر نهاد تشیع دچار سردرگمی در اصل امامت نگردد.

ص: ۴۷۲

منابع

قرآن مجید.

ابن شعبه حرانی، ابومحمدحسن بن علی بن حسین، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۰۴ ق / ۱۳۶۳ ش.

ابن شهر آشوب سروی، مناقب آل ابوطالب، نجف اشرف، مطبعة الحیدریه، ۱۳۷۶ ه / ۱۹۵۶ م.

ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل، البدایه و النهایه، چاپ اول، تحقیق علی شیری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ه / ۱۹۸۸ م.

ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن اسحق ابی یعقوب، فهرست، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.

امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.

امینی، نوروز، «روایات اهل بیت در منابع اهل سنت»، مجله علوم حدیث، شماره ۴۷، سال اول، ۱۳۸۷ ش

بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، چاپ اول، تحقیق محمدباقر محمودی، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۳۹۴ ق / ۱۹۷۴ م.

جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱ ش.

جناتی، محمدابراهیم، کتاب الحج (تقریرات سید محمود حسینی شاهرودی)، نجف، مطبعة القضاءیه، ۱۳۸۲ ق / ۱۹۶۲ م.

خطیب بغدادی، ابوبکر احمد بن علی، تاریخ بغداد او مدینه السلام، تحقق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۷ م.

شامی مشغری، جمال الدین یوسف بن حاتم، الدرالنظیم، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی تا.

ص: ۴۷۳

شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین قمی، خصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق / ۱۳۶۲ ش.

شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تحقیق موسسه آل البيت لتحقيق التراث، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ه / ۱۹۹۳ م.

صفا، ذبیح الله، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم هجری، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.

طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، إعلام الوری باعلام الهدی، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت " لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ ق.

طبرسی، ابومنصور احمد بن ابی طالب، الاحتجاج علی اهل اللجاج، چاپ اول، تحقیق محمدباقر خراسان، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ه.

طبری، أبو جعفر محمد بن جریر، تاریخ طبری (تاریخ الأمم و الملوك)، چاپ دوم، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ ق تاریخ یعقوبی

طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الابواب (رجال)، تحقیق جواد قیومی، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ ق.

طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۴ هـ.

عاملی، جعفر مرتضی، الحیاء الساسیه للامام الرضا، مشهد، کنگره جهانی امام رضا (ع)، ۱۴۰۳ ق / ۱۳۶۲ ش.

عاملی، جعفر مرتضی، الحیاء الساسیه للامام الجواد، مرکز الدراسات الاسلامیه، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م.

عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الجواد ابی جعفر محمد بن علی الرضا، مشهد، کنگره جهانی امام رضا (ع)، ۱۴۱۰ ق.

کاشانی، محمد محسن فیض، الوافی، تحقیق صیاء الدین اصفهانی، اصفهان، مکتبه امیرالمومنین، ۱۴۰۶ ق / ۱۳۶۵ ش.

ص: ۴۷۴

کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ ش / ۱۳۶۵ ش.

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار (علیهم السلام)، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ ق.

مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق. ۱۳۶۳ ش.

مجهول، اخبارالدولة العباسیه، تحقیق عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار مطلبی، بیروت، دارالطبیعه للطباعة و النشر، ۱۹۷۱ م.

مقدسی، مطهرین طاهر، البدء والتاریخ، بورسعید، مکتبه الثقافه الدینیة، بی تا.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، بیروت: دار صادر، بی تا. ۳۹

ص: ۴۷۵